

Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies

Winter 2024, Vol. 12, No. 48, PP. 7-47

Presenting a Privatization Model for State-Owned Enterprises with an Emphasis on Financial and Non-Financial Factors (a Case Study of Iran)

Hojjat Ghasemi

PhD Candidate, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Akbar Kanani*

Assistant Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Ebrahim Navidi Abbaspoor

Assistant Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Heidar Mohammadzadeh Saltahe

Associate Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

Received: 04/11/2024

Accepted: 26/02/2025

Abstract:

Objectives: Given significant issues such as globalization, the creation of a competitive environment, and government downsizing, the need for privatization feasibility studies in our country has become increasingly evident. Previous studies have primarily focused on the efficiency and economic aspects of privatization. This research aims to examine the financial and non-financial criteria and factors influencing privatization to propose an optimal privatization model based on these criteria.

Methodology: This study employs the Delphi method and Interpretive Structural Modeling (ISM), utilizing purposive, explanatory, and exploratory approaches to determine privatization patterns with an emphasis on financial and non-financial factors. Data collection involved a combination of previous studies and information gathered through the Delphi technique from managers and policymakers in privatization organizations.

Findings: Six key criteria for privatization were identified: economic factors, financial and accounting criteria, political factors, private sector development, government performance, and cultural and public dimensions. A hierarchical approach was used to create a tree structure, evaluate options based on criteria, and assess the criteria based on the objective function. The Expert Choice software was then utilized for prioritization and the development of an optimal model.

Conclusion: Based on theoretical studies and data collected from privatization organization experts, the results from pairwise comparison questionnaires indicate that political factors rank highest among privatization components with a score of 0.226, requiring the most attention from experts. Economic factors (0.202) rank second, followed by cultural and public dimensions (0.191), financial and accounting criteria (0.171), private sector development (0.119), and finally, government performance (0.084) in the prioritization of privatization components with an emphasis on financial and non-financial factors. The consistency ratio of 0.007 falls within the acceptable range.

Interpretive Structural Modeling (ISM) results, combined with reanalyzing the study's findings, introduced a three-tier model for privatization components. Political factors were positioned at the highest level, followed by economic factors, financial and accounting criteria, and private sector development in the second level. Government performance and cultural and public dimensions were categorized in the third level. The distinction between ISM and hierarchical analysis is that ISM seeks to develop an optimal model, whereas hierarchical analysis focuses on determining the priority of each criterion. These findings have the potential to influence decision-making in the private sector, and prioritizing financial and non-financial privatization components could lead to shifts in current decision-making approaches for privatization.

JEL Classification: H11, H19, C58, H5

Keywords: Privatization, Non-Financial Factors, Financial Factors, Privatization Components.

1* Corresponding Author, Email: Akbarkanani2000@yahoo.com

سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۴۷-۷

ارائه الگوی خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی (مطالعه موردی ایران)

حجت قاسمی

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

Hojjatgasemi.acc@gmail.com

اکبر کنعانی

استادیار، گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران (نویسنده مسئول)

Akbarkanani2000@yahoo.com

ابراهیم نویدی عباسپور

استادیار، گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

ebrahim.navidi@marandiau.ac.ir

حیدر محمدزاده سالطه

دانشیار، گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

salteh2008@gmail.com

اهداف: نظر به مسائل مهمی مانند جهانی شدن و ایجاد محیط رقابتی و کوچک‌سازی دولت‌ها، در کشور ما نیز بیش از پیش نیاز به مقوله خصوصی سازی، نیاز به مطالعه امکان‌سنجی است. بررسی‌هایی که در این مورد صورت گرفته بیش تر به جنبه‌های کارایی و اقتصادی مسئله پرداخته‌اند. در این پژوهش سعی شده است تا معیارها و عوامل مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر خصوصی سازی بررسی شوند تا یک مدل بهینه از خصوصی سازی با توجه به معیارها و عوامل مالی و غیرمالی ارائه شود. روش‌شناسی: این پژوهش با استفاده از روش دلفی و مدل‌سازی تفسیری ساختاری، از روش‌های هدفمند، تئینی و اکتشافی برای تعیین الگوهای خصوصی سازی با تأکید بر معیارها و عوامل مالی و غیرمالی استفاده کرده است. گردآوری داده‌های این پژوهش، ترکیبی از مطالعات قبلی و داده‌های به‌دست‌آمده از تکنیک دلفی از مدیران و سیاست‌گذاران سازمان‌های خصوصی سازی بود. یافته‌ها: شش معیار به عنوان مؤلفه‌های خصوصی سازی شامل عوامل اقتصادی، معیارهای مالی و حسابداری، عوامل سیاسی، ارتقای بخش خصوصی، عملکرد دولت و ابعاد فرهنگی و عمومی شناسایی شد. یک رویکرد سلسله‌مراتبی برای ایجاد یک ساختار درختی، ارزیابی گزینه‌ها بر اساس معیارها و ارزیابی معیارها بر اساس تابع هدف استفاده شد. سپس از نرم‌افزار Expert Choice برای اولویت‌بندی و ارائه مدلی بهینه در این زمینه استفاده شد. نتیجه‌گیری: بر اساس بررسی‌های مبانی نظری و داده‌های جمع‌آوری شده از کارشناسان سازمان خصوصی سازی و پس از بررسی‌های انجام‌شده بر روی پرسشنامه مقایسه‌های زوجی معیارهای مورد بررسی، نتایج نشان می‌دهد که عوامل سیاسی با مقدار ۰.۲۲۶ در اولویت اول از مؤلفه‌های خصوصی سازی قرار گرفته و نیازمند توجه بیشتر کارشناسان است، در رتبه‌های بعدی عوامل اقتصادی با ارزش ۰.۲۰۲ در رتبه دوم، ابعاد فرهنگی و عمومی با ارزش ۰.۱۹۱ در رتبه سوم، معیارهای مالی و حسابداری با ارزش ۰.۱۷۱ در رتبه چهارم، ارتقای بخش خصوصی با ارزش ۰.۱۱۹ در رتبه پنجم و در نهایت عملکرد دولت با ارزش ۰.۰۸۴ در رتبه ششم اولویت‌بندی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفته‌اند. همچنین نرخ سازگاری ۰.۰۰۷ در محدوده قابل قبولی قرار دارد. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از تحلیل ساختاری تفسیری و تحلیل مجدد یافته‌های پژوهش از ۶ بعد اصلی شناخته شده در زمینه مؤلفه‌های خصوصی سازی در مدلی با سه سطح به عنوان الگوی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر معیارها و عوامل مالی و غیرمالی معرفی می‌شود. بر این اساس عوامل سیاسی در بالاترین سطح و عوامل اقتصادی، معیارهای مالی و حسابداری و ارتقای بخش خصوصی در سطح دوم و عملکرد دولت و ابعاد فرهنگی و عمومی در رتبه سوم سطح الگوی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفتند، دلیل این تفاوت به نسبت تحلیل سلسله‌مراتبی را می‌توان در آن جستجو کرد که مدل تحلیل ساختاری تفسیری به دنبال الگوی بهینه یک موضوع است و تحلیل سلسله‌مراتبی به دنبال تعیین اولویت هر یک از معیارها است. این نتایج پتانسیل تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها در بخش خصوصی را دارد و برای نجات بخش خصوصی از ناکارآمدی، اولویت‌بندی مؤلفه‌های مالی و غیرمالی خصوصی سازی می‌تواند منجر به تغییر در شیوه‌های تصمیم‌گیری فعلی مدیران برای بخش خصوصی سازی شود.

طبقه‌بندی H11, H19, C58, H5JEL

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، عوامل غیرمالی، عوامل مالی، مؤلفه‌های خصوصی سازی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴

۱. مقدمه

با توجه به فعالیت‌های اقتصادی مثبت و اثربخش دولت‌ها در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به تدریج با گسترش دامنه فعالیت‌ها به دلیل مشکلاتی نظیر بوروکراسی شدید، ضعف سیستم مدیریتی، فقدان سیستم مناسب ارزیابی و حسابرسی، فقدان انگیزه کاری، تعدد در اهداف، استفاده نامطلوب از انحصارات، حمایت‌های غیر کارا و ... طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، عدم کارایی بر فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها حاکم شد و موجب عدم موفقیت آن‌ها در تحقق اهداف گردید (زاره نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). این مشکلات باعث شد اکثر دولت‌ها طی دو دهه اخیر ابتدا تلاش نمایند از طریق انجام اصلاحاتی از قبیل حذف حمایت شرکت‌ها از رقابت داخلی و خارجی، از بین بردن امکان دستیابی شرکت‌ها به تسهیلات اعتباری ارزان و ایجاد موانع بودجه‌ای سخت، حذف اهداف غیرتجاری شرکت‌ها، ایجاد استقلال در مدیریت و اداره شرکت‌ها، کاهش تعرفه‌های گمرکی و بازرگانی، استفاده از مکانیزم‌های ارزیابی عملکرد برای حساب‌دهی مدیران و بدون انتقال هیچ‌گونه مالکیت و مدیریتی، به افزایش کارایی در فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های دولتی پردازند (فیاض و همکاران، ۱۳۹۶). نتایج حاصل از اصلاحات مذکور در اکثر قریب به اتفاق کشورها رضایت‌بخش نبود، زیرا در تشکیلات بوروکراسی دولتی، افزایش کارایی، تضمین استقلال مدیریت و به کارگیری انضباط مالی حاکم بر بازار کاری دشوار است (مالکی، ۱۴۰۱). در نتیجه، گرایش به سوی مکانیزم خودسامان بخش بازار و انجام سیاست‌های آزادسازی، مقررات زدایی و خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت و مدیریت به عنوان راهبردهایی عقلایی در جهت مقابله با مسائل و مشکلات اقتصادی و افزایش کارایی به طور وسیعی مورد حمایت دولت‌ها قرار گرفت (مهدی زاده رستم و همکاران، ۱۴۰۰). در ایران نیز اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضوع واگذاری فعالیت‌های اقتصادی دولت به بخش خصوصی در قالب سیاست خصوصی سازی مطرح و زمینه‌های اجرایی آن تصویب شد. از آن زمان تاکنون موفقیت سیاست خصوصی سازی و اجرای آن به یکی از پیچیده‌ترین دغدغه‌های اقتصادی مسئولین و مدیران تبدیل شده و مباحث زیادی را به دنبال داشته است (مهری و همکاران، ۱۴۰۲). طی دهه‌های گذشته

دولت‌ها برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای و حداکثر کردن رفاه اجتماعی، شرکت‌های دولتی متعددی را ایجاد کرده‌اند. لیکن بروز نتایج نامطلوب اقتصادی - مالی شرکت‌های مزبور طی سال‌های اخیر، نبود توجه فنی - اقتصادی و مالی برای دخالت دولت در برخی از فرآیندهای تولیدی و محدودیت‌های مالی - اقتصادی دولت برای اداره و تصدی فعالیت‌ها، اجرای سیاست خصوصی سازی در بخش شرکت‌های دولتی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. همچنین حجم بالای دولت در اقتصاد، حضور شرکت‌های دولتی در فعالیت‌های غیر ضروری اقتصادی، رقابت‌پذیری پایین اقتصاد در سطح ملی و بین‌المللی، عدم توسعه بخش خصوصی فعال در حوزه‌های سرمایه‌گذاری، ضعف بازار سرمایه برای توسعه بخش خصوصی، عدم توزیع مناسب منابع و فرصت‌ها بین بخش دولتی و غیردولتی، بعد از پایان جنگ تحمیلی سبب عدم کارایی دولت گردیده بود. لذا واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی و کناره‌گیری دولت از فعالیت‌های اقتصادی به عنوان یکی از راه‌حل‌های قابل تصور برای رفع مشکلات اقتصادی و افزایش رشد مطرح گردید. در ایران خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی به‌ویژه از اواخر دهه ۱۳۷۰ و پس از تصویب قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ آغاز شد. هدف از این برنامه‌ها کاهش نقش دولت در اقتصاد، افزایش کارایی بنگاه‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خصوصی و خارجی و در نهایت توسعه رقابت در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور بود. برای خصوصی سازی موفق و مؤثر بنگاه‌های دولتی در ایران ملزم به ارائه برنامه‌ریزی دقیق است. برنامه‌ریزی برای خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی در ایران یک فرایند پیچیده و بلندمدت است که نیازمند توجه به جنبه‌ها و معیارهای مالی و غیرمالی است و عدم توجه به این معیارها می‌تواند عدم موفقیت یا شکست در خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی را به همراه داشته باشد. از این رو در این پژوهش سعی شده است تا برای ارائه یک الگوی خصوصی سازی، معیارها و عوامل مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی بررسی شوند.

۲. مبانی نظری پژوهش

خصوصی سازی بخشی از فرایندهای اقتصادی است که به منظور کاهش تصدی گری دولت و انتقال مالکیت بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی صورت می‌گیرد. این فرایند در جهت افزایش بهره‌وری و کارایی در بخش دولتی، افزایش رقابت و کاهش بار مالی دولت انجام می‌شود. اما برای اجرای مؤثر خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی نیازمند یک استراتژی جامع و به دقت طراحی شده است. در این پژوهش، مراحل و استراتژی‌های کلیدی در اجرای خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی شامل معیارهای مالی و غیرمالی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود.

معیارهای مالی

خصوصی سازی به عنوان یک فرایند اقتصادی مهم می‌تواند به بهبود کارایی و افزایش بازدهی بنگاه‌ها منجر شود. اما برای دستیابی به نتایج مطلوب، لازم است که معیارهای مالی مشخص و معتبر برای ارزیابی و اجرای برنامه‌های خصوصی سازی مورد توجه قرار گیرند. شناخت این معیارها به سیاست‌گذاران و مدیران کمک می‌کند تا برنامه‌های موفق‌تری را طراحی و اجرا کنند. روش‌های متعددی بر ارزیابی ابعاد مالی وجود دارد که به طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته مدل‌های مالی و حسابداری و مدل‌های اقتصادی تقسیم کرد:

معیارهای حسابداری

معیارهای حسابداری ارزیابی ابعاد مالی بر صورت سود و زیان و ترازنامه تأکید دارند؛ بدین معنی که یک جریان خروجی وجه نقد می‌تواند به عنوان هزینه در صورت سود و زیان و یا به عنوان یک دارایی سرمایه‌ای در ترازنامه منعکس شود که در نتیجه آن ارائه صورت سود و زیان و ترازنامه متفاوت ناشی از به کارگیری رویه‌های مختلف است. نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها و سود هر سهم از جمله معیارهای ابعاد مالی حسابداری به شمار می‌روند (آل نوری فروشانی، ۱۴۰۱).

حاصل سیستم اطلاعات حسابداری، گزارش‌های مالی است که سود گزارش شده در آن‌ها از اهمیت زیادی برای استفاده کنندگان برخوردار است. سرمایه‌گذاران با اتکا به سود حسابداری، ابعاد مالی شرکت را ارزیابی کرده و پیش‌بینی‌های خود را بر آن اساس انجام می‌دهند. مدیران نیز از سود برای برنامه‌ریزی آینده شرکت استفاده می‌کنند. در مدل حسابداری، ارزیابی عملکرد، ارزش شرکت از حاصل ضرب دو عدد به دست می‌آید؛ عدد اول، سود شرکت و عدد دوم، ضرب تبدیل سود به ارزش است. همان‌طور که پیش از این نیز بیان شد در مدل‌های حسابداری ارزیابی عملکرد، ارزش یک شرکت، تابعی از معیارهای مختلفی نظیر سود، سود هر سهم، نرخ رشد سود، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده سرمایه‌گذار، جریان نقدی آزاد و سود تقسیمی است (سلیمی بنماران، ۱۴۰۱).

در دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی در بسیاری از واحدهای تجاری ارزیابی ابعاد مدیران و تنظیم طرح‌های پاداشی به تغییرات سود حسابداری و سود هر سهم وابسته بوده است، همچنین از سایر مقیاس‌های حسابداری نیز در این رابطه استفاده شده است. این مقیاس‌ها در سیر تکوین و تکامل خود از بازدهی حقوق صاحبان سهام و بازدهی خالص دارایی‌ها و یا بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها استفاده نموده‌اند (سلیمی بنماران، ۱۴۰۱).

معیارهای اقتصادی

در پاسخ به انتقادات وارد به معیارهای ابعاد حسابداری، معیارهای ابعاد اقتصادی ظهور یافتند. برخی از مهم‌ترین این معیارها از جمله ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار و سود باقیمانده است (رستگار و اسکندر پور، ۱۴۰۱).

همان‌طور که در بخش مربوط به مدل‌های حسابداری ارزیابی ابعاد مالی نیز بیان شد علیرغم کاربردهای مختلف سود حسابداری، برخی معتقد بودند که سود حسابداری معیار مناسبی برای ارزیابی ابعاد مالی شرکت نیست؛ برای مثال، با استفاده از هر یک از روش‌های مختلف ارزیابی، اندازه‌گیری و شناسایی موجودی کالا، مخارج پژوهش و توسعه و استهلاک دارایی‌های ثابت، مبلغ سود نیز متفاوت خواهد بود در حالی که این تفاوت به دلیل نحوه عملکرد نیست؛ بلکه به دلیل

استفاده از روش‌های مختلف حسابداری است. معرفی معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد، نتیجه تلاش پژوهشگران برای رفع نارسایی‌های مدل‌های مبتنی بر اعداد حسابداری است (فروغی مازندرانی و شاهوردیانی، ۱۴۰۲). در مدل‌های اقتصادی، ارزش شرکت، تابعی از قدرت سودآوری، اولویت‌های موجود، سرمایه‌گذاری‌های بالقوه و مابه‌التفاوت نرخ بازده و هزینه سرمایه شرکت است. در بین مفاهیم متعدد، معیارهای اندازه‌گیری سود باقیمانده که در سال‌های اخیر مطرح شده است، استفاده از ارزش‌های دفتری و ارزش‌های بازار در تعیین هزینه سرمایه تفاوت چشمگیری بین نتایج حاصل از آن‌ها را موجب شده است. اندازه‌گیری‌های مختلف در مدل‌های ارزیابی عملکرد، منجر به معیارهای متفاوتی شده است (رستگار و اسکندر پور، ۱۴۰۱).

معیارهای غیرمالی

خصوصی‌سازی به عنوان یک استراتژی اقتصادی و مدیریتی با هدف بهبود کارایی و افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در بسیاری از کشورها اجرا می‌شود. اما موفقیت یا شکست این فرایند تنها به عوامل مالی وابسته نیست. معیارهای غیرمالی نیز تأثیر بسزایی بر روند خصوصی‌سازی دارند و در صورت نادیده گرفتن آن‌ها، می‌تواند منجر به بروز مشکلات جدی شود. در این پژوهش، به چهار بخش اصلی که معیارهای غیرمالی را تشکیل می‌دهند پرداخته می‌شود:

معیارهای سیاسی

عوامل سیاسی نقش حیاتی در فرآیند خصوصی‌سازی ایفا می‌کنند و می‌توانند به شکل‌دهی و تعیین موفقیت یا ناکامی این فرآیند کمک کنند. در ادامه به مهم‌ترین عوامل سیاسی در خصوصی‌سازی اشاره می‌شود:

۱. ایدئولوژی سیاسی: باورهای ایدئولوژیک دولت‌ها، از جمله حمایت از اقتصاد آزاد یا مداخله دولتی، می‌تواند تأثیر زیادی بر تصمیم به خصوصی‌سازی داشته باشد. دولت‌های لیبرال معمولاً تمایل بیشتری به خصوصی‌سازی دارند در حالی که دولت‌های سوسیالیستی یا مداخله‌گر ممکن است بر حفظ کنترل دولتی تأکید کنند.

۲. حمایت و فشار عمومی: مخالفت یا حمایت عمومی می‌تواند بر تصمیم‌گیری درباره خصوصی سازی تأثیر بگذارد. در کشورهایی که مردم از خصوصی سازی حمایت می‌کنند، احتمال اجرای موفق آن بیشتر است. برعکس، اگر مردم نگران تبعات اجتماعی یا اقتصادی خصوصی سازی باشند، این فرآیند ممکن است با مقاومت مواجه شود.
۳. تأثیر لابی‌ها و گروه‌های ذینفع: فعالیت‌های لابی‌گری و فشار گروه‌های اقتصادی می‌تواند تأثیر زیادی بر سیاست‌های خصوصی سازی داشته باشد. این گروه‌ها معمولاً تلاش می‌کنند تا منافع خود را از طریق نفوذ بر سیاست‌گذاران تأمین کنند.
۴. تغییرات سیاسی و اصلاحات: تغییرات در دولت‌ها، اعم از انتخاباتی یا برکناری، می‌تواند به تغییر در رویکرد به خصوصی سازی منجر شود. دولت‌های جدید ممکن است سیاست‌های متفاوتی نسبت به خصوصی سازی داشته باشند.
۵. ثبات سیاسی: وجود یک محیط سیاسی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب کند و شرایط بهتری برای خصوصی سازی ایجاد کند. در مقابل، بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند سرمایه‌گذاران را از سرمایه‌گذاری در روند خصوصی سازی منصرف کند.
۶. مؤسسات و نهادهای دولتی: قدرت، ساختار و کارایی نهادهای دولتی می‌تواند بر فرایند خصوصی سازی تأثیر بگذارد. نهادهای قوی و معتبر می‌توانند فرآیند خصوصی سازی را تسهیل کنند، در حالی که نهادهای ضعیف ممکن است منجر به بروز فساد و ناکارآمدی شوند.
۷. روابط بین‌المللی و فشارهای خارجی: فشارهای بین‌المللی می‌تواند نقش مهمی در خصوصی سازی ایفا کند. سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ممکن است به کشورهای در حال توسعه فشار بیاورند که فرایندهای خصوصی سازی را به منظور دریافت وام یا حمایت مالی تسهیل کنند.

معیارهای عملکرد دولت

عملکرد دولت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر فرآیند خصوصی سازی و نتایج آن داشته باشد. به عنوان یکی از نهادهای اصلی در این فرایند، دولت وظیفه طراحی و اجرای سیاست‌ها، نظارت بر بازار و مدیریت نقل و انتقال دارایی‌ها را بر عهده دارد. در ادامه به برخی از تأثیرات کلیدی عملکرد دولت بر خصوصی سازی اشاره می‌شود:

۱. طراحی و اجرای سیاست‌های خصوصی سازی:

- تدوین چارچوب قانونی: دولت باید یک چارچوب قانونی و مقرراتی مناسب برای تسهیل فرآیند خصوصی سازی فراهم کند. این چارچوب شامل قوانین و مقررات مربوط به فروش دارایی‌ها، ضمانت‌های حقوقی سرمایه‌گذاران و شیوه‌های شفاف مزایده‌ی دارایی‌ها است.
- آشناسازی با فرآیند خصوصی سازی: دولت باید اهالی کسب و کار و سرمایه‌گذاران را با فرآیند خصوصی سازی آشنا کند و اطمینان حاصل کند که آن‌ها قادر به درک شرایط و قواعد خصوصی سازی باشند.

۲. نظارت و حفاظت از منافع عمومی:

- حفاظت از منافع عمومی: دولت باید نظارت کند تا اطمینان حاصل کند که خصوصی سازی منجر به آسیب به منافع عمومی یا کاهش کیفیت خدمات نباشد. برای مثال، در خدمات پایه‌ای مانند آب، برق و بهداشت، دولت باید اطمینان حاصل کند که دسترسی به این خدمات برای همه اقشار جامعه فراهم است.

- پیشگیری از انحصار: دولت باید بر فرآیندهای خصوصی سازی نظارت کند تا از بروز انحصارها و سوءاستفاده‌های احتمالی در بازار جلوگیری کند.

۳. مدیریت سرمایه گذاری:

- تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران: عملکرد مؤثر دولت می‌تواند به تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران و جذب سرمایه‌های خصوصی کمک کند. دولت باید نشان دهد که فرآیند خصوصی سازی شفاف، عادلانه و بدون فساد است.

- تأمین منابع مالی: دولت می‌تواند با ایجاد سرمایه‌گذاری‌های کلان و یا ارائه تسهیلات مالی، به تحریک رشد و توسعه پس از خصوصی سازی کمک کند.
- ۴. برنامه‌ریزی و مدیریت تغییر:
 - توسعه برنامه‌های انتقال: دولت باید برنامه‌های خاصی برای مدیریت انتقال از بخش دولتی به خصوصی داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که فرآیند به آرامی انجام می‌شود و افراد مرتبط (کارکنان، مشتریان و ...) تحت تأثیر نامطلوب قرار نگیرند.
 - آموزش و توانمندسازی: دولت می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی، به نوآوری و کارایی در بخش خصوصی کمک کند.
- ۵. برقراری تعادل بین بخش‌های مختلف:
 - تأثیر اجتماعی: دولت باید به تأثیرات اجتماعی و اقتصادی خصوصی سازی توجه کند و تدابیر لازم برای کاهش پیامدهای منفی (مانند افزایش بیکاری یا نابرابری درآمدی) را اتخاذ کند.
 - تعادل منطقه‌ای: همچنین، دولت باید تلاش کند تا تأثیرات منفی بر روی مناطق خاصی را که ممکن است در نتیجه خصوصی سازی آسیب ببینند، به حداقل برساند.
- ۶. بازخورد و ارزیابی:
 - نظارت و ارزیابی مستمر: دولت باید نظارت و ارزیابی مستمری بر نتایج خصوصی سازی داشته باشد تا بتواند تغییرات لازم را اعمال کند و از تجربه‌های گذشته برای بهبود فرآیند استفاده کند.

معیارهای ابعاد فرهنگی و عمومی

ابعاد فرهنگی و عمومی می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر فرآیند و نتایج خصوصی سازی داشته باشند. این تأثیرات می‌توانند شامل باورها، ارزش‌ها، انتظارات و رفتارهای عمومی باشند که ممکن است بر روی پذیرش و اجرای خصوصی سازی تأثیر بگذارند. در ادامه مهم‌ترین معیارهای ابعاد فرهنگی و عمومی بررسی می‌شود:

۱. باورهای فرهنگی:

- نگرش به مالکیت خصوصی: در جوامعی که مالکیت خصوصی و کارآفرینی ارزشمند تلقی می‌شود، امکان موفقیت خصوصی سازی بیشتر است. برعکس، در جوامعی که به مالکیت دولتی یا اجتماعی ارزش بیشتری داده می‌شود، ممکن است با مقاومت بیشتری در برابر خصوصی سازی مواجه شویم.

- توجه به کارایی: اگر فرهنگ جامعه به کارایی و کارآمدی خدمات تأکید کند، احتمال پذیرش خصوصی سازی و اعتماد به بخش خصوصی بیشتر خواهد بود.

۲. انتظارات اجتماعی:

- انتظارات از دولت: مردم ممکن است انتظار داشته باشند که دولت در ارائه خدمات عمومی مؤثر و کارآمد عمل کند. اگر این انتظارات برآورده نشود و افراد خود را در فرایند خصوصی سازی شامل ببینند، این ممکن است به مقاومت در برابر خصوصی سازی منجر شود.
- امنیت شغلی: نگرانی‌های مربوط به امنیت شغلی در بخش خصوصی ممکن است بر روی تصور عمومی درباره خصوصی سازی تأثیر بگذارد. اگر مردم نگران از دست دادن شغل‌های خود در نتیجه خصوصی سازی باشند، احتمالاً مقاومت بیشتری نشان خواهند داد.

۳. نقش رسانه‌ها و تبلیغات:

- رسانه‌ها به عنوان تأثیرگذاران: رسانه‌ها می‌توانند تأثیر مثبت یا منفی بر روی درک عمومی از خصوصی سازی داشته باشند. پوشش‌های خبری، تجزیه و تحلیل‌ها و نظرها می‌تواند دیدگاه‌های عمومی را شکل دهد و بر روی تصورات فرهنگی تأثیر بگذارد.
- فرصت‌های آموزشی: رسانه‌ها همچنین می‌توانند به آموزش عموم درباره مزایا و معایب خصوصی سازی پرداخته و شفافیت بیشتری را ایجاد کنند.

۴. محیط اجتماعی و ساختار جامعه:

- تنوع اجتماعی: جوامع با ساختار اجتماعی متنوع، ممکن است نسبت به خصوصی سازی واکنش‌های مختلفی نشان دهند. تفاوت‌های طبقاتی، قومیتی و منطقه‌ای می‌تواند به ایجاد ناآرامی‌ها یا حمایت‌های مختلف منجر شود.
- مدیریت منافع افراد: دولت‌ها باید به نیازها و خواسته‌های گروه‌های مختلف اجتماعی توجه کرده و به تضمین حقوق و منافع همه اقشار جامعه در فرایند خصوصی سازی بپردازند.
- ۵. تجربه‌های گذشته:
- سابقه خصوصی سازی: تجربه‌های پیشین جامعه از خصوصی سازی می‌تواند بر روی نحوه درک و پذیرش آن تأثیرگذار باشد. اگر خصوصی سازی‌های گذشته به نتایج مثبت و موفقیت‌آمیز منجر شده باشند، احتمال پذیرش آن در آینده بیشتر است و برعکس.
- ۶. مشارکت عمومی و شفافیت:
- مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری: اگر شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی خصوصی سازی مشارکت کنند و صدای آن‌ها شنیده شود، احتمالاً پذیرش عمومی افزایش خواهد یافت.
- شفافیت: وجود شفافیت در فرآیندهای خصوصی سازی و تصمیم‌گیری می‌تواند به ایجاد اعتماد در جامعه کمک کند و در نتیجه، تأثیرات منفی ناشی از مقاومت عمومی را کاهش دهد.

معیارهای ترفیع بخش خصوصی

ترفیع بخش خصوصی به معنای تقویت نقش و گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی در اقتصاد و کاهش نقش دولت در تصدی‌گری است. در ادامه مهم‌ترین معیارهای ترفیع بخش خصوصی که می‌توانند بر فرآیند و نتایج خصوصی سازی تأثیرگذار باشند بررسی می‌شوند:

۱. حمایت از نوآوری و فناوری:
 - سرمایه‌گذاری در R&D (تحقیق و توسعه): ترفیع بخش خصوصی باید شامل تشویق به سرمایه‌گذاری در نوآوری‌ها و فناوری‌ها باشد. با افزایش نوآوری، بنگاه‌های خصوصی توانایی بهبود کارایی و رقابت‌پذیری خود را افزایش می‌دهند.
 - همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی: ایجاد شبکه‌ای از همکاری بین بنگاه‌های خصوصی و مراکز آموزشی می‌تواند به انتقال دانش و فناوری کمک کند و منجر به ایجاد محصولات و خدمات جدید گردد.
۲. تسهیل دسترسی به منابع مالی:
 - ایجاد تسهیلات مالی: ارائه تسهیلات، وام‌ها و تسهیلات مالی مناسب برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، می‌تواند موجب تشویق آن‌ها به مشارکت در خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی شود.
 - تشویق سرمایه‌گذاری خارجی: تسهیل روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اعطای معافیت‌های مالیاتی و تشویقی به شرکت‌های خارجی می‌تواند بخشی از استراتژی ترفیع بخش خصوصی باشد.
۳. تقویت زیرساخت‌ها:
 - بهبود زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتال: توجه به بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ارتباطات و اینترنت به‌عنوان عوامل مؤثر در تسهیل فعالیت‌های بخش خصوصی و قانونی‌سازی خصوصی‌سازی ضروری است.
 - توسعه مناطق ویژه اقتصادی: ایجاد مناطق ویژه با تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی می‌تواند به تقویت بخش خصوصی و تسهیل فرآیند خصوصی‌سازی کمک کند.

۴. توسعه مهارت‌ها و نیروی کار:

- آموزش و توانمندسازی نیروی کار: برنامه‌های آموزشی برای ارتقاء مهارت‌های نیروی کار در بخش خصوصی و آموزش آن‌ها برای مدیریت بنگاه‌های خصوصی شده، به تأمین منابع انسانی کارآمد کمک می‌کند.
- توجه به نیازهای بازار کار: ایجاد برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای بازار کار می‌تواند مشکل کمبود مهارت و نیروی کار را کاهش دهد.

۳. پیشینه پژوهش

در ایران، سیاست خصوصی سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی بر اساس مفاد تبصره ۳۲ و سیاست‌های برنامه اول توسعه کشور در سال ۱۳۷۰، با انتشار اولین بیانیه رسمی دولت اجرا شد که تاکنون پژوهش‌های مختلفی در زمینه خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی و تأثیر آن بر بنگاه‌های دولتی انجام شده است ولی پژوهشی که به دنبال ارائه یک مدل خصوصی سازی بر اساس معیارها و عوامل مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر بنگاه‌های دولتی باشد انجام نگرفته است. در جدول زیر به برخی پژوهش‌هایی که در زمینه خصوصی سازی انجام شده است اشاره می‌شود:

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
جندقی اردکانی و همکاران	۱۴۰۲	بررسی عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار	توصیفی پیمایشی	برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد عوامل مالی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تأثیر معنادار دارد، همچنین عوامل غیرمالی نیز بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تأثیرگذار است. در نتیجه این پژوهش می‌تواند به اهمیت وجود این روابط اشاره کند تا سرمایه‌گذاران با نظر گرفتن این عوامل تأثیرگذار تصمیمات بهتری در بازار سرمایه بگیرند.

ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
بنایی قدیم	۱۴۰۲	عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر سلامت مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران	کاربردی - پس رویدادی	متغیرهای ساختار مالکیت و تغییر در سیاست استخدام شرکت، سبب افزایش سلامت مالی شرکت‌ها شده است یعنی وجود تمرکز مالکیت از طرف سهامداران عمده و ایجاد و اعمال قدرت نظارتی آن‌ها از یک طرف و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت در به‌کارگیری رویه‌های فزاینده منافع شخصی و کاهش ارزش شرکت و همچنین مدیریت منابع انسانی به عنوان راهبرنده سرمایه‌های فیزیکی شرکت‌ها در قالب سرمایه فکری، عاملی تعیین‌کننده در مدیریت منابع و سلامت مالی آن‌ها است
لازایی و همکاران	۱۴۰۱	بررسی نقش خصوصی‌سازی در ابعاد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی (کارخانه سیمان خوزستان)	توصیفی - علی	در این مطالعه ابعاد شرکت‌هایی که به روش عرضه سهام خصوصی‌سازی شده‌اند با استفاده از معیارهایی چون کیفیت سود حسابداری، سودآوری، نقدینگی، کارایی عملیاتی، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های سرمایه‌ای و اشتغال مورد بررسی قرار گرفت. شاخص کیفیت سود حسابداری به همراه یکی از شاخص‌های کارایی عملیاتی با عنوان نسبت فروش به نیروی انسانی کاهش معنی‌داری را در ابعاد مالی و عملیاتی نشان داد. البته شاخص دیگر کارایی عملیاتی یعنی سود خالص به نیروی انسانی افزایش معنی‌دار در ابعاد عملیاتی را ارائه داد. سایر شاخص‌ها تفاوت معنی‌داری را نشان ندادند. نتایج کلی این پژوهش حاکی از آن است که خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در ایران باعث تضعیف ابعاد مالی و عملیاتی این شرکت‌ها شده است.

ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
موسویان و همکاران	۱۴۰۰	ارزیابی آثار خصوصی سازی بر ابعاد مالی و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	توصیفی پیمایشی	نتایج پژوهش نشان داد خصوصی سازی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجب بهبود ابعاد مالی آن‌ها شده است. همچنین در مورد فرضیات فرعی پژوهش باید اذعان داشت که خصوصی سازی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باعث بهبود شاخص سودآوری و شاخص سرمایه گذاری آن‌ها شده است ولی بر روی شاخص کارایی شرکت تأثیری نداشته است.
رستم خانی و همکاران	۱۳۹۹	بررسی و برآورد تأثیر خصوصی سازی بر ابعاد مالی شرکت‌های دولتی	توصیفی - کاربردی	از جمع بندی نتایج آماری تحلیل‌ها می توان گفت که اهداف خصوصی سازی در شرکت‌های مورد بررسی تأمین نشده است. علت این موضوع را می توان در این نکته جستجو کرد که تغییر مالکیت شرط لازم در خصوصی سازی است. خصوصی سازی واقعی با اقداماتی تکمیل می شود که منتج به بازار گرا شدن و حاکمیت متغیر قیمت در تصمیمات عوامل اقتصادی می شود. آزادسازی، مقررات زدایی، بهبود فضای کسب کار و محور قرار گرفتن بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی از الزامات تکامل فرایند خصوصی سازی در ایران است که بخشی از آن‌ها نظیر بهبود فضای کسب و کار همچنان مغفول است.
جامی و همکاران	(۱۳۹۸)	بررسی تأثیر خصوصی سازی بر سود تقسیمی و ابعاد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار	روش آمیخته کیفی و کمی	در جمع بندی و نتیجه گیری کلی آزمون فرضیه های پژوهش می توان عنوان کرد، این است که میانگین ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت‌ها قبل از خصوصی سازی با میانگین ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت‌ها بعد از خصوصی سازی تفاوت معنی داری وجود دارد.

ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
بیک زاده و همکاران	۱۳۹۴	بررسی مقایسه‌ای ابعاد مالی قبل و پس از واگذاری شرکت‌های دولتی غیربورسی خصوصی‌سازی شده	رگرسیون و مدل‌سازی معادلات ساختاری	برای این منظور، نسبت‌های مالی ابعاد سال قبل و سه سال بعد از واگذاری ۲۷ شرکت واگذار شده از صنایع متفاوت طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹، بر اساس صورت‌های مالی حسابرسی شده آن‌ها، با اجرای آزمون‌های کلموگروف-اسمیرنوف و تی زوجی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که فرآیند خصوصی‌سازی تأثیری بر ابعاد مالی شرکت‌ها نداشته است.
چیتنی و همکاران	۲۰۲۴	خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در بازارهای نوظهور: مشکلات و چشم‌اندازها	کاربردی - علی	نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بسیاری از شرکت‌های دولتی در آفریقای جنوبی به دلیل فساد و مدیریت ضعیف مالی متحمل زیان‌های غیرقابل جبران شده‌اند بنابراین خصوصی‌سازی چنین نهادهایی ممکن است راه نجات باشد.
کاسیر و همکاران	۲۰۲۳	تأثیر فرآیند خصوصی‌سازی بر شاخص‌های بهره‌وری و ابعاد مالی شرکت‌ها	توصیفی - علی	برای اندازه‌گیری شاخص‌های بهره‌وری از روابط مبتنی بر ارزش افزوده استفاده شده است. متغیر مستقل پژوهش درصد سهام واگذار شده شرکت‌های عضو نمونه است. نتایج پژوهش نشان داد که فرآیند خصوصی‌سازی در شرکت‌های مورد بررسی بر بهره‌وری سرمایه و بازده دارایی‌ها تأثیر معناداری داشته و منجر به افزایش این شاخص‌ها شده است.

ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

نام محققان	سال پژوهش	عنوان پژوهش	روش پژوهش	نتایج پژوهش
نوتی	۲۰۲۳	بررسی تأثیر خصوصی سازی بر ابعاد مالی و رشد و یادگیری کارکنان	کاربردی - علی	برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. به منظور آزمون فرضیات و مقایسه می‌آنگین دو جامعه (جامعه قبل و جامعه بعد از خصوصی سازی) از تست نشاندار ویلکاکسون با کمک نرم افزار SPSS استفاده گردیده است. در نهایت فرضیه‌های اصلی پژوهش تأیید شد که نشان می‌دهد، خصوصی سازی باعث بهبود ابعاد مالی و رشد و یادگیری کارکنان شده است.
رادیک و همکاران	۲۰۲۱	ارزیابی تأثیر ابعاد مالی و خصوصی سازی بر کارایی فنی شرکت‌ها	توصیفی - علی	نتایج پژوهش، کاهش کارایی فنی ۲۸ شرکت را بعد از ورود به بورس نشان می‌دهد و نیز تأثیر منفی و معنادار نسبت‌های نقدینگی و بازده حقوق صاحبان سهام را بر جزء ناکارایی فنی شرکت‌ها تبیین می‌کند.
لیاحمد و همکاران	۲۰۲۱	تأثیر عوامل مالی و غیرمالی بر سود سرمایه	کاربردی - توصیفی	در انتخاب سهامی که بازده بالایی در یک ریسک قابل قبول فراهم می‌کنند، سرمایه‌گذاران به عوامل اصلی توجه دارند که می‌تواند ابعاد سهام را تحت تأثیر قرار دهد. نتایج پژوهش شامل یک مدل ANCOVA است که تأثیر قابل توجهی از بازگشت حقوق صاحبان سهام و زمینه فعالیت بر ابعاد سود سرمایه را ارائه می‌دهد.

همان‌طور که در جدول شماره یک اشاره شده است در برخی از پژوهش‌های پیشین، مانند پژوهش موسویان و همکاران (۱۴۰۰)، با عنوان «ارزیابی آثار خصوصی سازی بر ابعاد مالی و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، نتایج پژوهش نشان داد که خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی موجب بهبود ابعاد مالی آن‌ها شده است این در حالی است که در پژوهش رستم‌خانی و همکاران (۱۳۹۹)، نتایج نشان داد که اهداف خصوصی سازی در شرکت‌های مورد بررسی تأمین نشده است. از طرفی یافته‌های جامی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت‌ها قبل و بعد از خصوصی تفاوت معناداری دارند که این

پژوهش حاکی از تأثیرگذار بودن خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی است. و همچنین در پژوهش‌های خارجی، نتایج پژوهش چیتنی و همکاران (۲۰۲۴) با عنوان «خصوصی سازی شرکت‌های دولتی در بازارهای نوظهور: مشکلات و چشم‌اندازها» (مطالعه موردی آفریقای جنوبی)، نشان داد که بسیاری از شرکت‌های دولتی در آفریقای جنوبی به دلیل فساد و مدیریت ضعیف مالی متحمل زیان‌های غیرقابل جبران شده‌اند بنابراین خصوصی سازی چنین نهادهایی ممکن است راه نجات باشد. سؤالی که به ذهن می‌رسد چه معیارها و عواملی وجود دارند که می‌تواند زمینه موفقیت و یا شکست خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی را رقم بزنند و ما در این پژوهش تلاش نمودیم تا معیارها و عوامل مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر موفقیت یا شکست خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی را مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم به ارائه یک الگوی مناسب برای خصوصی سازی بپردازیم.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف، تبیینی و اکتشافی است و سعی دارد الگوی خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی را با استفاده از روش دلفی و مدل سازی ساختاری - تفسیری مشخص سازد بر حسب نتیجه این پژوهش از نوع توسعه‌ای بوده و همچنین از نظر گردآوری اطلاعات این پژوهش آمیخته است. در این پژوهش از یک نوع روش شناسی چندگانه با توجه به هدف پژوهش و نیز مزیت‌های روش‌شناسی‌های چندگانه استفاده می‌شود.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کارشناسان سازمان سازمان خصوصی سازی تشکیل می‌دادند که دارای شرایط زیر بودند: داشتن حداقل ۳ سال سابقه مدیریتی، تسلط بر موضوع، در دسترس بودن، تمایل به شرکت در پژوهش. بنابراین روش نمونه‌گیری در این بخش روش نمونه‌گیری هدفمند است. توجه منطقی این روش نمونه‌گیری این است که: از نمونه‌گیری احتمالی زمانی استفاده می‌شود که محقق بخواهد نتایج را از نمونه آماری به جامعه آماری تعمیم دهد، در صورتی که محقق قصد

تعمیم نداشته باشد، می‌تواند از نمونه‌گیری هدفمند استفاده کند، از طرفی دیگر در پژوهش‌های کیفی معمولاً از نمونه‌گیری احتمالی پرهیز می‌کنند، افرادی که برای این پژوهش دعوت به همکاری می‌شوند کارشناسان سازمان خصوصی سازی هستند که تعداد آن‌ها ۱۵ نفر است.

مسیر پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این پژوهش به منظور شناسایی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی، طی مصاحبه با ۱۵ نفر از کارشناسان و کارشناسان سازمان خصوصی سازی، این عوامل به شرح زیر به دست آمد:

الف- عوامل مالی عبارتند از: عوامل اقتصادی، معیارهای مالی و حسابداری

ب- عوامل غیرمالی شامل: عوامل سیاسی، ارتقای بخش خصوصی، عملکرد دولت و ابعاد فرهنگی و عمومی است.

شناسایی معیارهای مؤثر و ساخت سلسله‌مراتبی

در گام نخست با درک کامل مفاهیم و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مسئله پژوهش، هدف کلی مسئله، با نظر خبرگان و صاحب‌نظران سازمان خصوصی سازی است. با توجه به ادبیات موضوع و بررسی وضعیت جامعه پژوهش، عوامل مرتبط و درگیر به مسئله مشخص شده‌اند. برای شناسایی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی اقدام به ایجاد پانل دلفی در میان خبرگان و صاحب‌نظران سازمان خصوصی سازی گردیده و پس از مصاحبه و استفاده از فرم‌های باز اظهارنظر در خصوص مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی و پس از بررسی‌های دقیق نتایج این نظرسنجی‌ها تعداد ۷۸ زیر معیار به عنوان مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی مشخص شد که در جدول ذیل قابل مشاهده است.

در فرایند شناسایی این زیر معیارها از رویکرد تحلیل محتوا استفاده و تعداد ۷۸ زیر معیار در قالب عوامل رویکرد بهینه‌سازی چارچوب‌های اقتصادی در کشور، توسعه محیط فعالیت اقتصادی کشور، ابعاد مالی و حسابداری، چارچوب سیاست داخلی، دیدگاه سیاسی و چارچوب

سیاست‌های جاری، سیاست بین‌المللی و فرا سرزمینی، چالش‌های سیاسی، ارتقا توانمندی‌های بخش خصوصی، تمرکز بر ارزیابی عملکرد دولت در حمایت از بخش خصوصی، استانداردهای مدیریتی، استانداردهای کارآفرینی و حمایتی، قوانین و مقررات و توسعه فرهنگ خصوصی سازی و اقدامات این حوزه شناسایی شدند، برای تأمین اعتبار یافته‌های پژوهش از شاخص روایی محتوایی^۱ CVI استفاده می‌شود شاخص روایی محتوای نیز برای سنجش روایی پرسشنامه استفاده می‌شود. این شاخص CVI توسط والتز و باسل^۲ ارائه شده است. برای محاسبه CVI از خبرگان خواسته می‌شود میزان مرتبط بودن هر گویه را با طیف چهار قسمتی زیر مشخص کنند:

۱. غیر مرتبط

۲. نیاز به بازبینی اساسی

۳. مرتبط اما نیاز به بازبینی

۴. کاملاً مرتبط

تعداد خبرگانی که گزینه ۳ و ۴ را انتخاب کرده‌اند را بر تعداد کل خبرگان تقسیم می‌کنیم اگر مقدار حاصل از ۰.۷ کوچک‌تر بود گویه رد می‌شود اگر بین ۰.۷ تا ۰.۷۹ بود باید بازبینی انجام شود و اگر از ۰.۷۹ بزرگ‌تر بود قابل قبول است.

1. Content Validity Index
2. Waltz & Bausell

جدول ۲. اشارات خبرگان به مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C1	عوامل اقتصادی	رویکرد بهینه‌سازی چارچوب‌های اقتصادی در کشور	برنامه‌ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور	۱۳	۰.۸۶	✓
C2			تمرکز بر توسعه و ارتقا بازار سرمایه و بورس	۱۱	۰.۹۵۶	✓
C3			برنامه‌ریزی برای استفاده کامل از ظرفیت‌های بانک‌ها و نهادهای مالی	۱۰	۰.۹۶۸	✓
C4			برنامه‌ریزی برای به‌روزرسانی چرخه‌های اداری مرتبط و حذف موانع موجود در مسیر خصوصی سازی	۸	۰.۹۰۸	✓
C5			فراهم‌سازی فضا و بستر مناسب برای تسریع و تسهیل خصوصی سازی	۱۲	۰.۸۱۲	✓
C6			برنامه‌ریزی برای توسعه و نظام قیمت‌گذاری یکپارچه	۹	۰.۹۷۱	✓
C7			ایجاد رویکرد همسو و یکدست در بین سازمان‌های برنامه‌ریز و خط‌مشی گذار با مجریان	۹	۰.۹۱۷	✓
C8		توسعه محیط فعالیت اقتصادی کشور	برنامه‌ریزی برای ایجاد و ارتقا ثبات در ارکان اقتصاد	۱۰	۰.۹۳۶	✓
C9			تمرکز بر ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی	۹	۰.۸۷۷	✓
C10			برنامه‌ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت	۸	۰.۹۸۳	✓
C11			برنامه‌ریزی برای مرتبط‌سازی شرکت‌ها با بازار بین‌المللی	۹	۰.۹۶۸	✓
C12			تأکید بر تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و ورود بخش خصوصی به بازار	۹	۰.۸۴۳	✓
C13			مولدسازی و بازدهی بالای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۷	۰.۸۲۹	✓
C14			حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی بخش خصوصی برای رقابت	۹	۰.۹۰۷	✓

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C15	معیارهای مالی و حسابداری	ابعاد مالی و حسابداری	تعریف ساختار مالی و حسابداری استاندارد و جامع برای شرکت‌ها قبل از واگذاری	۷	۰.۸۸۱	✓
C16			تأکید بر اطلاعات کامل و شفاف مالی فعالیت شرکت‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۸	۰.۹۸۳	✓
C17			دسترسی کامل و شفاف نهادهای نظارتی تعریف شده به اطلاعات مالی و مراودات مالی شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۱۱	۰.۸۹۲	✓
C18			تأکید بر بهای تمام‌شده رقابتی در حسابداری شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۱۰	۰.۹۳۸	✓
C19			تأکید بر مطالعه دقیق و تخصصی قیمت‌گذاری دارایی‌های قبل از واگذاری	۱۲	۰.۹۲۶	✓
C20			استفاده از استاندارد هزینه منفعت مبتنی بر جدیدترین دستورالعمل‌های تخصصی حسابداری	۸	۰.۷۸۴	✓
C21			حسابرسی مستمر و دقیق و غربالگری مغایرت‌های موجود و اقدامات صریح و روشن برای جلوگیری از تکرار	۱۱	۰.۷۶۴	✓
C22	عوامل سیاسی	چارچوب سیاست داخلی	وحدت رویه پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جایابی قدرت جناح‌های سیاسی	۹	۰.۹۶۸	✓
C23			همسوسازی مراجع تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری حوزه خصوصی‌سازی با ابعاد سیاسی کشور	۱۰	۰.۹۱	✓
C24			تأکید بر تعامل ویژه بین دستگاه‌های مرتبط و تصمیم‌گیرنده در حوزه خصوصی‌سازی	۷	۰.۸۸۵	✓
C25			وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان و برنامه ریزان حوزه خصوصی‌سازی	۸	۰.۸۶	✓

وضعیت	CVI	اشاره خبرگان	زیر معیار	معیار	شاخص	کد
✓	۰.۹۴۶	۱۰	تأکید بر ثبات سیاسی	دیدگاه سیاسی و چارچوب سیاست‌های جاری		C26
✓	۰.۹۸۷	۱۱	تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی حاکم			C27
✓	۰.۸۸۵	۶	انعطاف سیاسی جاری در سطح کشور و میزان همراهی و همسویی جامعه با تفکر حاکم بر طیف‌های سیاست داخلی			C28
✓	۰.۸۹۲	۸	تأکید بر حمایت سیاسی از خصوصی سازی			C29
✓	۰.۸۹۱	۶	تأکید بر ارکان سیاست خارجی کشور و پابندی به آرمان‌های سیاسی	سیاست بین‌المللی و فراسرزمینی		C30
✓	۰.۹۶۸	۹	تأکید بر تحلیل دقیق سیاست‌های کشورهای منطقه و سایر کشورهای مرتبط			C31
✓	۰.۸۸	۸	برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خصوصی سازی برای غلبه بر تحریم‌های بین‌المللی			C32
✓	۰.۸۶۲	۱۲	اجتناب از هرگونه نفوذ اشخاص و جناح‌ها در برنامه‌ریزی خصوصی سازی	چالش‌های سیاسی		C33
✓	۰.۸۷۸	۹	دوری از هرگونه تحکیم و برنامه‌ریزی‌های دستوری در حوزه خصوصی سازی			C34
✓	۰.۸۶	۸	تمرکز بر همسویی حمایتی برنامه‌ریزی‌های خصوصی سازی و تأمین نیازهای عمومی مردم			C35
✓	۰.۸۳۳	۹	جلوگیری از ورود رویکردها و تصمیم‌های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود			C36
✓	۰.۸۶	۹	تمرکز بر حمایت مستمر از بخش خصوصی در چارچوب‌های خصوصی سازی	ارتقا توانمندی‌های بخش خصوصی		C37
✓	۰.۹۵۶	۷	برنامه‌ریزی برای حذف رانت‌های احتمالی در مسیر خصوصی سازی			C38
✓	۰.۹۷۹	۶	تعریف چارچوب‌های تخصصی برای تقویت و توسعه زیرساخت‌های خصوصی سازی			C39
✓	۰.۹۹	۱۱	تمرکز بر تقویت بخش غیردولتی و مقابله با اقتصاد زیرزمینی			C40
✓	۰.۹۳۵	۱۳	برنامه‌ریزی برای توسعه ساختار سازمانی در شرکت‌های خصوصی			C41

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	اشاره خبرگان	CVI	وضعیت
C42	عملکرد دولت	تمرکز بر ارزیابی عملکرد دولت در حمایت از بخش خصوصی	برنامه‌ریزی برای تعریف استانداردهای تخصصی در شرکت‌های خصوصی‌سازی شده	۸	۰.۸۶۶	✓
C43			برنامه‌ریزی برای ورود شرکت‌های خصوصی به بازار سرمایه	۹	۰.۸۲۵	✓
C44			وجود مشوق‌های قانونی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۹	۰.۸۹۳	✓
C45			برنامه‌ریزی برای ایجاد و ارتقا زیرساخت‌های لازم برای توسعه خصوصی‌سازی	۶	۰.۷۹۹	✓
C46			کارآمدسازی بخش خصوصی با برنامه‌ریزی علمی و استفاده از ظرفیت‌های عمومی	۸	۰.۸۱۶	✓
C47			انسجام بخش دولتی برای همکاری با بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت‌های موجود	۹	۰.۸۸۶	✓
C48			تمرکز بر بهبود و ارتقا استانداردهای لازم برای واگذاری سهام عدالت	۱۱	۰.۸۶	✓
C49			تفکیک وظایف بخش خصوصی و دولتی و تجهیز متناسب بخش خصوصی برای نقش‌آفرینی مؤثر در توسعه اقتصادی	۱۱	۰.۹۴۶	✓
C50			برنامه‌ریزی برای تعریف چهارچوب‌های تخصصی ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی	۸	۰.۸۶	✓
C51			تعریف قوانین و مقررات لازم برای پاسخگوسازی شرکت‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۱۲	۰.۸۶	✓
C52			استفاده از اراده دولت برای شفاف‌سازی فعالیت‌های شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۱۲	۰.۸۴۳	✓
C53			توجه ویژه به بخش تعاون و تدوین مقررات و قوانین تخصصی فعالیت‌های بخش تعاون	۱۳	۰.۸۳۱	✓
C54			استانداردهای مدیریتی	برنامه‌ریزی برای استفاده از دانش و تخصص منطبق با نیازهای توسعه‌ای در شرکت‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی	۸	۰.۹۰۲

وضعیت	CVI	اشاره خبرگان	زیر معیار	معیار	شاخص	کد
✓	۰.۸۲۷	۱۵	برنامه‌ریزی برای مقابله صحیح با مقاومت‌های مدیران بخش‌های دولتی کم‌کار در حوزه خصوصی‌سازی			C55
✓	۰.۸۸۸	۱۲	استفاده از کارگروه‌های تخصصی و تصمیمات مبتنی بر داده‌های واقعی برای کارآمدسازی خصوصی‌سازی			C56
✓	۰.۷۹۳	۱۳	بهره‌گیری از ظرفیت‌های پژوهشی و علمی در حوزه مدیریت شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی			C57
✓	۰.۷۹۷	۹	تمرکز بر پایش مستمر فعالیت‌های شرکت‌های مشمول و وجود راهکارهای قانونی برای نظارت و برخورد قانونی با کم‌کاری‌ها و یا تخلفات این حوزه			C58
✓	۰.۸۳۲	۱۲	گزارشگری دقیق از عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی			C59
✓	۰.۸۹۱	۱۴	توسعه سیستم جامع مالیاتی و دارایی برای کنترل دقیق فعالیت‌های مالی شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی در چارچوب‌های قانونی			C60
✓	۰.۹۵۶	۱۰	برنامه‌ریزی برای ارتقا حمایت‌ها و مشوق‌های مالی برای ایجاد انگیزه ورود بخش خصوصی به فرایندهای دولتی	استانداردهای کارآفرینی و حمایتی	C61	
✓	۰.۷۹۸	۹	توجه ویژه به کارآفرینان بخش خصوصی و تعریف چارچوب‌های حمایتی تخصصی		C62	
✓	۰.۸۲۴	۱۴	استفاده از مشوق‌های مالیاتی و سرمایه‌ای برای انگیزش بخش خصوصی		C63	
✓	۰.۸۳۷	۱۲	کاهش سود تسهیلات اعطایی به بخش‌های خدماتی مشمول طرح خصوصی‌سازی		C64	
✓	۰.۸۶	۱۰	حمایت‌های قانونی از شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول پس از واگذاری		C65	
✓	۰.۸۵۴	۱۳	شفافیت و جامعیت قوانین و مقررات حوزه خصوصی‌سازی	قوانین و مقررات	C66	
✓	۰.۸۶۹	۱۱	حمایت‌های قوانین کار و تأمین اجتماعی		C67	

وضعیت	CVI	اشاره خبرگان	زیر معیار	معیار	شاخص	کد
✓	۰.۹۰۶	۱۰	کاهش و حذف موانع گمرکی، بازرگانی و مراودات مالی شرکت‌های مشمول طرح در چارچوب قوانین حاکمیتی	توسعه فرهنگ خصوصی‌سازی و اقدامات این حوزه	ابعاد فرهنگی و عمومی	C68
✓	۰.۹۱۲	۸	کنترل‌های مستمر و سازمان‌یافته نهادهای نظارتی بر عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌های مشمول طرح خصوصی‌سازی			C69
✓	۰.۸۱۶	۱۲	تمرکز بر مطالعه علمی و عملی مبتنی بر داده‌های به‌روز و مستند قبل از واگذاری			C70
✓	۰.۹۶۸	۹	استناد به ابعاد دینی و اعتقادی و تبعیت از شرع و عرف در برنامه‌های خصوصی‌سازی			C71
✓	۰.۸۸۲	۹	برنامه‌ریزی برای ممانعت از ورود دیدگاه‌های قومیتی و فرهنگی در فرایند خصوصی‌سازی			C72
✓	۰.۹۵۶	۱۰	تأکید بر ارتقا اعتماد عمومی به بخش خصوصی			C73
✓	۰.۹۶۸	۹	زمینه‌سازی برای ورود سرمایه‌های خرد به فرایند خصوصی‌سازی			C74
✓	۰.۹۶۱	۸	تأکید بر روشن و شفاف نمودن اهداف خصوصی‌سازی و ارتقا دانش عمومی در این زمینه			C75
✓	۰.۸۲۷	۹	حذف تعارضات ارزشی میان دولت و بخش خصوصی			C76
✓	۰.۹۶۸	۹	برنامه‌ریزی برای جلوگیری از تجربیات ناموفق گذشته در امر خصوصی‌سازی			C77
✓	۰.۹۰۳	۷	برنامه‌ریزی برای جلوگیری از هرگونه هرج‌ومرج و یا مقاومت در مقابل تغییر	C78		

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اشاراتی که خبرگان در فرم‌های باز اظهارنظر و در قالب کدگذاری باز محوری و انتخابی انجام شد نهایتاً مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی با تعداد ۷۸ زیر معیار اصلی به شرح جدول فوق شناسایی قرار گرفتند، برای قطعیت این موارد مراحل بعدی به صورت راند به راند انجام شده است. معیارها و تعداد مربوط به هر کدام از این معیارها در جدول زیر آمده است:

جدول ۳. پراکندگی سؤالات مربوط به متغیرهای پژوهش

منبع	تعداد گویه	چینش	مؤلفه
نتایج نظرسنجی اولیه از خبرگان و مبنای نظری پژوهش	۱۴	C1-C14	عوامل اقتصادی
	۷	C15-C21	معیارهای مالی و حسابداری
	۱۵	C22-C36	عوامل سیاسی
	۸	C37-C44	ترفیغ بخش خصوصی
	۲۵	C45-C69	عملکرد دولت
	۹	C70-C78	ابعاد فرهنگی و عمومی
	۷۸	C1-C78	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی از طریق پرسشنامه پنل دلفی و با استفاده از میانگین حسابی معیارهای مهم برای مقایسه ابعاد به دست آمد، سپس کارشناسان از متغیرهای کلامی بسیار زیاد، بی‌اهمیت، کم، بسیار کم استفاده کردند. آن‌ها سطح اهمیت زیر معیارهای مطرح شده را از دیدگاه خود بیان کردند. با توجه به گزینه پیشنهادی و متغیرهای کلامی تعریف شده، نتایج به دست آمده از بررسی پاسخ‌های داده شده در پرسشنامه برای به دست آوردن میانگین مؤلفه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده در راند اول و مقایسه آن با نتایج راند دوم، در صورتی که اختلاف بین میانگین در دو راند کمتر از حد آستانه (۱/۱) باشد در این صورت فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. در جدول شماره ۴، اختلاف بین نتایج راند اول و دوم ارائه شده است.

جدول ۴. اختلاف بین میانگین‌های هندسی راند دوم و سوم

AVE۲	AVE۱	DIFF	کد معیار	AVE۲	AVE۱	DIFF	کد معیار	AVE۲	AVE۱	DIFF	کد معیار
۴.۲۳۳۳	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۵۳	۴	۳.۹۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۲۷	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۱
۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۵۴	۴	۴	۰	C۲۸	۴.۰۶۶۷	۴.۰۶۶۷	۰	C۲
۳.۸	۳.۸	۰	C۵۵	۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۲۹	۴.۴	۴.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۳
۴.۲۶۶۷	۴.۲۶۶۷	۰	C۵۶	۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۳۰	۴.۲	۴.۲	۰	C۴
۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۵۷	۳.۴۶۶۷	۳.۵۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۳۱	۳.۸۶۶۷	۳.۸۶۶۷	۰	C۵
۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۵۸	۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۳۲	۴.۳۳۳۳	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۶
۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۵۹	۳.۷۳۳۳	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۳۳	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۷
۴	۳.۹۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۶۰	۳.۶۶۶۷	۳.۶	-۰.۰۶۶۷	C۳۴	۴.۴	۴.۴	۰	C۸
۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۶۱	۳.۴	۳.۴	۰	C۳۵	۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۹
۳.۷۳۳۳	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۶۲	۳.۷۳۳۳	۳.۶۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۳۶	۴	۴	۰	C۱۰
۳.۷۳۳۳	۳.۶۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۶۳	۴.۴۶۶۷	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۳۷	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۱۱
۴.۴	۴.۴	۰	C۶۴	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۳۸	۳.۸	۳.۸	۰	C۱۲
۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۶۵	۴.۴	۴.۴	۰	C۳۹	۴.۳۳۳۳	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۱۳
۴.۱۳۳۳	۴.۰۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۶۶	۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۴۰	۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۱۴
۴	۴	۰	C۶۷	۴	۴	۰	C۴۱	۴.۲۶۶۷	۴.۲۶۶۷	۰	C۱۵
۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۶۸	۳.۸	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۴۲	۳.۸۶۶۷	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۱۶
۴.۵۳۳۳	۴.۶	-۰.۰۶۶۷	C۶۹	۳.۸	۳.۸	۰	C۴۳	۳.۹۳۳۳	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۱۷
۴	۴	۰	C۷۰	۴.۳۳۳۳	۴.۴	-۰.۰۶۶۷	C۴۴	۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۱۸
۴	۳.۹۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۷۱	۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۴۵	۳.۹۳۳۳	۳.۹۳۳۳	۰	C۱۹
۴	۴	۰	C۷۲	۴.۲۶۶۷	۴.۲۶۶۷	۰	C۴۶	۴.۲۶۶۷	۴.۲	-۰.۰۶۶۷	C۲۰
۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۷۳	۳.۸۶۶۷	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۴۷	۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۲۱
۴.۱۳۳۳	۴.۱۳۳۳	۰	C۷۴	۳.۹۳۳۳	۳.۸۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۴۸	۴.۱۳۳۳	۴.۰۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۲۲
۳.۴۶۶۷	۳.۵۳۳۳	-۰.۰۶۶۷	C۷۵	۴.۰۶۶۷	۴	-۰.۰۶۶۷	C۴۹	۴	۴	۰	C۲۳
۴.۲	۴.۲۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۷۶	۳.۹۳۳۳	۳.۹۳۳۳	۰	C۵۰	۳.۵۳۳۳	۳.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۲۴
۳.۷۳۳۳	۳.۸	-۰.۰۶۶۷	C۷۷	۴.۲۶۶۷	۴.۲	-۰.۰۶۶۷	C۵۱	۴.۵۳۳۳	۴.۶	-۰.۰۶۶۷	C۲۵
۳.۶۶۶۷	۳.۶	-۰.۰۶۶۷	C۷۸	۴.۴	۴.۴۶۶۷	-۰.۰۶۶۷	C۵۲	۴	۴	۰	C۲۶

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول شماره پنج و اینکه اختلاف میانگین نظر خبرگان در دو راند (اخیر) مساوی و یا کمتر از ۰/۱ است، می‌توان گفت که خبرگان در مورد مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی به اجماع رسیده‌اند و نظرسنجی در این راند متوقف می‌شود. این بدان معنی است که خبرگان به این ابعاد در پژوهش نگاه تقریباً یکسانی داشته‌اند.

برای اطمینان از سنجش مناسب بودن داده‌ها از آزمون کیزر میر اولکین استفاده شد که جدول

زیر نتایج حاصل از آن را نشان می‌دهد:

جدول ۵. مقدار کیزر میر اولکین (KMO)

پیش فرض مقدار
مقدار کیزر میر اولکین (کفایت حجم نمونه) ۰/۷۲
آزمون کرویت بارتلت مقدار مجذور کای ۳۵۰۰/۲۵
۳۰۰۳ df
۰/۰۰۰ P
منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار کیزر میر اولکین در سطح معناداری نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عاملی در وضعیت خوبی قرار دارند در این شرایط، می‌توان انتظار داشت که تحلیل عاملی نتایج مفید و معنی داری ارائه می‌دهد.

ضریب هماهنگی کندال

در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال^۱ استفاده شد. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به N شیء یا فرد. در حقیقت با کاربرد این مقیاس می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه رتبه را یافت. چنین مقیاسی به‌ویژه در مطالعات مربوط به «روایی درونی»^۲ مفید است. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آن‌ها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابه را برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند.

1. Kendall's Coefficient of Concordance (W)
2. Interjudge reliability

جدول ۶. آزمون آماری ضریب هم‌مانگی کندال

معیار	تعداد	چینش	درجه آزادی	راند ۱		راند ۲		راند ۳	
				ضریب توافقی کندال	عدد معنی‌داری	ضریب توافقی کندال	عدد معنی‌داری	ضریب توافقی کندال	عدد معنی‌داری
عوامل اقتصادی	۱۴	C1-C14	۱۳	۰.۴۰	۲	۰.۰۵	۱	۰.۴۳	۲
معیارهای مالی و حسابداری	۷	C15-C21	۶	۰.۳۲	۸	۰.۰۴	۶	۰.۳۵	۲
عوامل سیاسی	۱۵	C22-C36	۱۴	۰.۳۳	۶	۰.۰۶	۱	۰.۳۷	۴
ترفیع بخش خصوصی	۸	C37-C44	۷	۰.۳۹	۱	۰.۰۳	۱	۰.۳۹	۷
عملکرد دولت	۲۵	C45-C69	۲۴	۰.۳۵	۵	۰.۰۷	۱	۰.۳۶	۴
ابعاد فرهنگی و عمومی	۹	C70-C78	۸	۰.۴۴	۷	۰.۰۳	۴	۰.۴۵	۹

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به کسب ضریب کندال در بازه بیش از ۵۰٪ و همچنین نتایج عدد معنی‌داری و واقع شدن عدد معنی‌داری همه ابعاد مورد بررسی در بازه مقبول کمتر از ۰.۰۵ در راند سوم نشان از آن دارد که در این راند خبرگان به توافق رسیده و نیازی به ادامه فرایند دلفی نیست.

درخت سلسله‌مراتبی شاخص‌ها و گزینه‌های تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند سپس یکسری مقایسات زوجی انجام می‌گیرد. این مقایسات وزن هر یک از فاکتورها را در راستای گزینه‌ای رقیب مشخص می‌سازد. در نهایت منطق AHP به گونه‌ای ماتریس‌های حاصل از مقایسات زوجی را با یکدیگر تلفیق می‌سازد که تصمیم بهینه حاصل آید.

جدول ۷. درخت سلسله‌مراتب مؤلفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی



منبع: یافته‌های پژوهش

در روش AHP وزن هر یک از معیارها یکسان فرض نمی‌شود. به همین جهت پروفیسور ساعتی روشی ابداع کرده که قادر است تأثیر معیارها را بر یکدیگر و بر کل عملیات پژوهش محاسبه و اندازه‌گیری نمایند. تعیین وزن هر یک از معیارها نسبت به یکدیگر توسط گروه قضاوت کارشناسی صورت گرفته است. نحوه کار همانند راند قبل است که ابتدا معیارهای سطح اول در یک جدول که دارای دو ستون عمودی و افقی است بر اساس جدول ارجحیت ثبت خواهند شد. در این راند عملیات گردآوری داده‌ها به پایان می‌رسد و جهت محاسبه، داده‌ها به نرم‌افزار معرفی می‌گردند. بر اساس خروجی نرم‌افزار Expert Choice و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌های پژوهش، ماتریس ارزش بر اساس جدول زیر تعیین شده است:

جدول ۸. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی

رتبه			A1	A2	A3	A4	A5	A6
دوم	۰.۲۰۲	A1 عوامل اقتصادی						
چهارم	۰.۱۷۱	A2 معیارهای مالی و حسابداری	۳.۰۰					
اول	۰.۲۲۶	A3 عوامل سیاسی	۴.۰۰	۵.۰۰				
پنجم	۰.۱۱۹	A4 ترفیع بخش خصوصی	۳.۰۰	۳.۰۰	۳.۰۰			
ششم	۰.۰۸۴	A5 عملکرد دولت	۳.۰۰	۴.۰۰	۱.۰۰	۵.۰۰		
سوم	۰.۱۹۱	A6 ابعاد فرهنگی و عمومی	۴.۰۰	۳.۰۰	۵.۰۰	۳.۰۰	۴.۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که مشاهده می‌شود عوامل سیاسی با ارزش ۰.۲۲۶، عوامل اقتصادی با ارزش ۰.۲۰۲، معیارهای مالی و حسابداری با ارزش ۰.۱۷۱، ترفیع بخش خصوصی با ارزش ۰.۱۱۹، عملکرد دولت با ارزش ۰.۰۸۴ و نهایتاً ابعاد فرهنگی و عمومی با ارزش ۰.۱۹۱ ماتریس ارزش مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیر مالی را تشکیل می‌دهند.

تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

ماتریس خودتعاملی ساختاری SSIM از ابعاد و شاخص‌های مطالعه و مقایسه آن‌ها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل می‌شود. این ماتریس توسط خبرگان و متخصصین فرآیند محوری تکمیل می‌گردد. اطلاعات حاصله بر اساس مدل سازی ساختاری تفسیری جمع‌بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل گردیده است. منطق مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM) منطبق بر روش‌های ناپارامتریک و بر مبنای مد در فراوانی‌ها عمل می‌کند. ماتریس خودتعاملی ساختاری متغیرهای پژوهش به شرح ذیل است:

جدول ۹. ماتریس خودتعاملی ساختاری مؤلفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی

مؤلفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی		A1	A2	A3	A4	A5	A6
		عوامل اقتصادی	معیارهای مالی و حسابداری	عوامل سیاسی	ترفع بخش خصوصی	عملکرد دولت	ابعاد فرهنگی و عمومی
عوامل اقتصادی	A1						
معیارهای مالی و حسابداری	A2	X					
عوامل سیاسی	A3	A	A				
ترفع بخش خصوصی	A4	X	O	A			
عملکرد دولت	A5	V	V	V	O		
ابعاد فرهنگی و عمومی	A6	V	V	V	O	A	

منبع: یافته‌های پژوهش

ماتریس دریافتی از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست می‌آید. برای استخراج ماتریس دریافتی در هر سطر ماتریس خودتعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O از عدد صفر استفاده می‌شود. ماتریس به دست آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد.

بعد از آنکه ماتریس به یک ماتریس صفر و یک تبدیل شد باید ماتریس ثانویه طراحی شود. در یک ماتریس دریافتی برای اطمینان باید روابط ثانویه کنترل شود. به این معنا که اگر A منجر به B شود و B منجر به C شود در این صورت باید A منجر به C شود. یعنی اگر بر اساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد اما در عمل این اتفاق نیفتاده باشد باید جدول تصحیح شود و رابطه ثانویه را نیز نشان داد.

جدول ۱۰. ماتریس دریافتی مؤلفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی

		A1	A2	A3	A4	A5	A6
مؤلفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی		عوامل اقتصادی	معیارهای مالی و حسابداری	عوامل سیاسی	ترفیغ بخش خصوصی	عملکرد دولت	ابعاد فرهنگی و عمومی
عوامل اقتصادی	A1	۰	۱	۱	۱	۰	۰
معیارهای مالی و حسابداری	A2	۱	۰	۱	۱	۰	۰
عوامل سیاسی	A3	۱	۰	۰	۱	۰	۰
ترفیغ بخش خصوصی	A4	۱	۱	۱	۰	۰	۰
عملکرد دولت	A5	۱	۱	۱	۱	۰	۱
ابعاد فرهنگی و عمومی	A6	۱	۱	۱	۱	۰	۰

منبع: یافته‌های پژوهش

ترسیم نمودار قدرت نفوذ- وابستگی

در مدل (ISM) روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارها و ارتباط معیارهای سطوح مختلف به خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به وسیله مدیران می‌شود. برای تعیین معیارهای کلیدی قدرت نفوذ و وابستگی معیارها در ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. از این ویژگی در تحلیل میک مک استفاده می‌شود.

جدول ۱۱. جدول قدرت نفوذ- وابستگی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی

معیار	مجموعه مقدم	مجموعه متأخر	اشتراک	سطح
A1	۲، ۳، ۴ و ۱	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۲
A2	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۱ و ۲ و ۴ و ۵	۱ و ۲ و ۴	۲
A3	۱ و ۳ و ۴	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۱ و ۳ و ۴	۱
A4	۱ و ۲ و ۳ و ۴	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۱ و ۲ و ۳	۲
A5	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵	۵	۵	۳
A6	۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶	۵	۵	۳

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه گیری

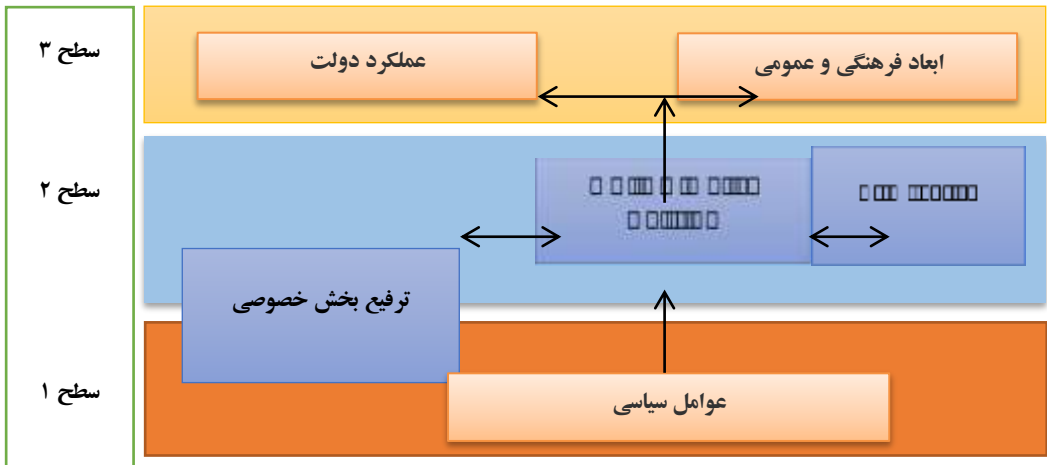
بر اساس بررسی‌های مبانی نظری و داده‌های جمع آوری شده از کارشناسان سازمان خصوصی سازی و پس از بررسی‌های انجام شده بر روی پرسشنامه مقایسه‌های زوجی معیارهای مورد بررسی، نتایج نشان می‌دهد که عوامل سیاسی با مقدار ۰.۲۲۶ در اولویت اول از مؤلفه‌های خصوصی سازی قرار گرفته و نیازمند توجه بیشتر کارشناسان است، در رتبه‌های بعدی عوامل اقتصادی با ارزش ۰.۲۰۲ در رتبه دوم، ابعاد فرهنگی و عمومی با ارزش ۰.۱۹۱ در رتبه سوم، معیارهای مالی و حسابداری با ارزش ۰.۱۷۱ در رتبه چهارم، ارتقای بخش خصوصی با ارزش ۰.۱۱۹ در رتبه پنجم و در نهایت عملکرد دولت با ارزش ۰.۰۸۴ در رتبه ششم اولویت‌بندی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفته‌اند. همچنین نرخ سازگاری ۰.۰۰۷ در محدوده قابل قبولی قرار دارد. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از تحلیل ساختاری تفسیری و تحلیل مجدد یافته‌های پژوهش از ۶ بعد اصلی شناخته شده در زمینه مؤلفه‌های خصوصی سازی در مدلی با سه سطح به عنوان الگوی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی معرفی می‌شود. بر این اساس عوامل سیاسی در بالاترین سطح و عوامل اقتصادی، معیارهای مالی و حسابداری و ارتقای بخش خصوصی در سطح دوم و عملکرد دولت و ابعاد فرهنگی و عمومی در رتبه سوم سطح الگوی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفتند، دلیل این تفاوت به نسبت تحلیل سلسله‌مراتبی را می‌توان در آن جستجو کرد که مدل تحلیل ساختاری تفسیری به

دنبال‌الگوی بهینه یک موضوع است و تحلیل سلسله‌مراتبی به دنبال تعیین اولویت هر یک از معیارها است. این نتایج پتانسیل تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها در بخش خصوصی را دارد و برای نجات بخش خصوصی از ناکارآمدی، اولویت‌بندی مؤلفه‌های مالی و غیرمالی خصوصی‌سازی می‌تواند منجر به تغییر در شیوه‌های تصمیم‌گیری فعلی مدیران برای بخش خصوصی‌سازی شود. پژوهش‌های پیشین انجام شده در رابطه با خصوصی‌سازی در ایران بیشتر به ارزیابی آثار خصوصی‌سازی پرداخته‌اند و تاکنون در پژوهشی به بررسی معیارهای مالی و غیرمالی تأثیرگذار بر خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی پرداخته نشده است، ولی می‌توان گفت نتایج حاصل از این پژوهش با تحقیقات پیشین انجام شده زیر مطابقت دارد:

۱. نتایج حاصل از پژوهش رستم‌خانی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که اهداف خصوصی‌سازی در شرکت‌های مورد بررسی تأمین نشده است و بخش‌های مختلفی از فرایند خصوصی‌سازی شامل آزادسازی، مقررات زدایی، بهبود فضای کسب و کار در ایران همچنان مغفول مانده است. در پژوهش حاضر نیز به دنبال شناسایی معیارها و عوامل مالی و غیرمالی مغفول مانده در ایران بودیم که نتایج نشان داد بیشترین معیارهای مغفول مانده در راستای خصوصی‌سازی در ایران، معیارهای سیاسی می‌باشند.

۲. در نتایج حاصل از پژوهش‌های جندق‌ای اردکانی و همکاران (۱۴۰۲)، لارابی و همکاران (۱۴۰۱)، موسویان و همکاران (۱۴۰۰)، جامی و همکاران (۱۳۹۸)، نشان داده شد که خصوصی‌سازی بر ابعاد مالی شرکت‌ها قبل و بعد از خصوصی‌سازی تأثیرگذار است که نتایج حاصل از پژوهش حاضر نیز نشان داد که عوامل اقتصادی، عوامل مالی و حسابداری بعد از عوامل سیاسی بیشترین تأثیر را در موفقیت یا شکست برنامه خصوصی‌سازی در ایران را دارند.

جدول ۱۲. مدل نهایی مؤلفه‌های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی



منبع: یافته‌های پژوهش

۶. توصیه‌ها و پیشنهادها جهت پژوهش‌های آتی

نتایج پژوهش نشان داد که معیارها و عوامل سیاسی در اولویت اول معیارهای خصوصی سازی شرکت‌های دولتی قرار گرفته است که نیازمند توجه بیشتر کارشناسان و پژوهشگران در پژوهش‌های آتی است. با توجه به نتایج پژوهش و همچنین معیارها و عوامل سیاسی تعیین شده توسط خبرگان و صاحب نظران سازمان خصوصی سازی پیشنهادهای زیر برای پژوهش‌های آتی عنوان می‌گردد:

۱. در کشورهای با سطوح بالای فساد، خصوصی سازی ممکن است به نفع گروه‌های خاص تمام شود. این امر می‌تواند به شکست این برنامه‌ها منجر شود. از این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی میزان نفوذ اشخاص یا جناح‌ها در برنامه ریزی خصوصی سازی بررسی شود و تأثیر آن در خصوصی سازی بنگاه‌های دولتی مورد بررسی قرار گیرد.
۲. اگر دولت‌ها به طور واقعی متعهد به خصوصی سازی باشند و آن را به عنوان یک اولویت استراتژیک ببینند، احتمال موفقیت برنامه‌های خصوصی سازی افزایش می‌یابد در کشورهای با دولت‌های ضعیف یا دچار چالش‌های سیاسی، این اراده ممکن است وجود نداشته باشد از

این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی ثبات سیاسی دولت و تأثیر آن بر خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی بررسی شوند.

۳. تحریم‌ها معمولاً مانع از دسترسی بنگاه‌های دولتی و خصوصی به بازارهای جهانی می‌شوند. این وضعیت می‌تواند توانایی این بنگاه‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات محصولاتشان را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه این امر می‌تواند روند خصوصی‌سازی را کند سازد، زیرا بنگاه‌ها به دلیل نبود منابع و بازارهای جدید قادر به توسعه و رشد نیستند از این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر تحریم‌های بین‌الملل و همچنین توانایی ظرفیت‌های داخلی در برابر این تحریم‌ها و تأثیر آن بر خصوصی‌سازی بررسی شود.

۴. تأمین نیازهای عمومی مردم در فرایند خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی یکی از جنبه‌های حیاتی و مهم است که می‌تواند تأثیر زیادی بر موفقیت این برنامه‌ها داشته باشد از این رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی همسویی حمایتی برنامه‌ریزی خصوصی‌سازی و تأمین نیازهای عمومی مردم مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- آل نوری فروشانی، ه. (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تأمین مالی کسب و کارهای اجتماعی از طریق صنعت بانکداری، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، بانکداری و اقتصاد ایران، مشهد.
- بنایی قدیم، ر. (۱۴۰۲). عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر سلامت مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی ارتقای سلامت و چالش‌های حقوقی و پزشکی فراروی آن، مراغه.
- جندقی اردکانی، ف؛ عبدالرحیمیان، م. (۱۴۰۲). بررسی عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار، پنجمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی الگوهای نوین مدیریت کسب و کار در شرایط ناپایدار، تهران.
- رستگار، ا؛ اسکندر پور، ب. (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر صورت‌های مالی متناسب با بازاریابی کارآفرینانه شرکت‌ها، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۶)، ۵۰۴-۵۳۴.
- رستم‌خانی، ح؛ حسنلو، ح. (۱۳۹۹). بررسی و برآورد تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی شرکت‌های دولتی، دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری، گرگان.
- زارع نژاد، م؛ داوودی، ا. (۱۳۹۲). تأثیر فرآیند خصوصی سازی بر شاخص‌های بهره‌وری و عملکرد مالی شرکت‌های واگذار شده، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، قم.
- سلیمی بنامران، م. (۱۴۰۱). عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی با رویکرد سودآوری، هشتمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و شهر هوشمند، تهران.
- فروغی مازندرانی، ن؛ شاهوردیانی، ش. (۱۴۰۲). تعیین عوامل ناکارآمدی مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نهمین کنفرانس بین‌المللی چشم‌اندازهای نوین در مدیریت، حسابداری و کارآفرینی، تهران.

فیاض، م؛ ابراهیمی، ب. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی و رشد و یادگیری کارکنان مطالعه موردی: نیروگاه شهید منتظری اصفهان، دومین کنفرانس ملی مدیریت راهبردی خدمات ۱۳۹۶، نجف آباد.

لارابی، ن؛ عین آبادی، ج. (۱۴۰۱). بررسی نقش خصوصی سازی در عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی (کارخانه سیمان خوزستان)، هشتمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت و حسابداری، تهران. مالکی، س. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط کیفیت سود و خصوصی سازی شرکت، هفتمین همایش بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی، همدان.

موسویان، ح؛ فروزنده، ج. (۱۴۰۰). ارزیابی آثار خصوصی سازی بر عملکرد مالی و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس بین‌المللی جهش علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ساری.

مهدی زاده رستم، م؛ دهقان، ح؛ محبوبی فرد، م؛ بورنگی، م. (۱۴۰۰). بررسی مفاهیم و نظریه های خصوصی سازی و موفقیت‌های جهانی، فصلنامه علمی نگرش‌های نوین بازرگانی، ۳(۵)، ۱۴۰-۱۵۵.

مهری، ع؛ عزیزیان کهن، ن؛ محمدی انگوت، ا. (۱۴۰۲). تأثیر خصوصی سازی و تبلیغات بر درآمدزایی باشگاه‌های ورزشی شهرستان اردبیل، اولین همایش ملی علوم ورزشی با رویکرد ورزش‌های همگانی، اردبیل.

Barut, A., Citil, M., Ahmed, Z., Sinha, A., & Abbas, S. (2023). How do economic and financial factors influence green logistics? A comparative analysis of E7 and G7 nations. *Environmental Science and Pollution Research*, 30(1), 1011-1022.

Cheteni, P., Shindika, A., Umejesi, I. (2024). Privatization of public enterprises in the emerging market: Problems and prospects. *Journal of Governance and Regulation*, 13(2), 172-180.

Kaiser, J., Haase, D., & Krueger, T. (2023). Collective payments for ecosystem services: a counterpart of commodification and privatization trends in nature conservation?. *Ecology and Society*, 28(1).

Liahmad, K. R., Utami, Y. P., & Sitompul, S. (2021). *Financial factors and non-financial to financial distress insurance companies that are listed on the Indonesia Stock Exchange. Budapest International Research and Critics Institute (BIRCI-Journal): Humanities and Social Sciences*, 4(1), 1305-1312.

- Nuti, D. M. (2023). *Mass privatization: costs and benefits of instant capitalism*. In Collected Works of Domenico Mario Nuti, Volume I: Socialist Economic Systems and Transition (pp. 441-473). Cham: Springer International Publishing.
- Radić, M., Ravasi, D., & Munir, K. (2021). *Privatization: Implications of a shift from state to private ownership*. *Journal of Management*, 47(6), 1596-1629.
- Starr, P. (2019). The new life of the liberal state: Privatization and the restructuring of state-society relations. In *The political economy of public sector reform and privatization* (pp. 22-54). Routledge.
- Triebts, T. P., & Pollitt, M. G. (2019). Objectives and incentives: evidence from the privatization of Great Britain's power plants. *International Journal of Industrial Organization*, 65, 1-29.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی